فهرست مطالب:

[**شرائط لباس مصلی** 1](#_Toc118545629)

[**شرط أول (اباحه)** 1](#_Toc118545630)

[***مسأله هفتم*** 1](#_Toc118545631)

[**فرض أول** 2](#_Toc118545632)

[**فرض دوم** 5](#_Toc118545633)

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در شرط أول از شرائط لباس مصلی بود. در جلسه قبل ششمین مسأله از بحث اباحه لباس مصلی به پایان رسید.

**شرائط لباس مصلی**

**شرط أول (اباحه)**

***مسأله هفتم***

إذا جهل أو نسي الغصبية‌ و علم أو تذكر في أثناء الصلاة فإن أمكن نزعه فورا و كان له ساتر غيره صحت الصلاة و إلا ففي سعة الوقت و لو بإدراك ركعة يقطع الصلاة و إلا فيشتغل بها في حال النزع‌

**شخصی که جاهل یا ناسی به غصبیت است اگر در أثنای نماز متوجّه شد که لباسش غصبی است؛**

**صاحب عروه فرموده است**:

**فرض أول:** اگر امکان درآوردن فوری لباس وجود دارد و ساتر دیگری هم دارد (مثل این که عبای روی دوش او غصبی باشد) لباس را در می آورد و نمازش صحیح است.

**فرض دوم:** ولی اگر امکان ندارد آن را فوراً دربیاورد یا اگر آن را دربیاورد ساتر دیگری ندارد (یعنی اگر لباس غصبی را دربیارود لخت می شود یا مثلاً اگر خانمی است که چادرش غصبی است اگر آن را دربیاورد مویش آشکار می شود)؛ در این صورت اگر وقت ولو به اندازه درک یک رکعت از نماز، موسّع باشد نمازش را قطع می کند و با لباس مباح نماز می خواند.

 **فرض سوم:** ولی اگر در همین فرض دوم (که امکان ندارد لباس غصبی را فوراً دربیاورد یا اگر آن را دربیاورد ساتر دیگری ندارد) با قطع نماز و تحصیل لباس مباح نمی تواند حتّی یک رکعت را هم در داخل وقت بخواند؛ تنها چاره این است که نمازش را ادامه دهد و در حال ادامه دادن نماز اگر می تواند این لباس غصبی را دربیاورد (فیشتغل بها فی حال النزع)

**این مسأله دقیق است و چند فرض صاحب عروه را بررسی می کنیم؛**

**فرض أول**

در أثنای نماز متوجه غصبی بودن لباس می شود و امکان بیرون آوردن فوری لباس غصبی وجود دارد و بیرون آوردن آن هم مشکلی ایجاد نمی کند زیرا ساتر دیگر هم دارد؛ که صاحب عروه فرمود لباس غصبی را در می آورد و نمازش را ادامه می دهد؛

و این مطلب، مطلب واضحی است زیرا: (مقدمتاً می گوییم که فرض بحث شخصی است که خودش غاصب لباس نباشد ولی اگر خود این شخص غاصب باشد و در أول نماز فراموش کرده باشد به نظر مشهور نماز این شخص باطل است)

رکعت گذشته او اشکال ندارد به این خاطر که غصب او نسبت به گذشته همراه با جهل یا نسیان و غفلت بود و نسبت به رکعات آینده هم که لباس غصبی را در می آورد و مشکلی ندارد؛ تنها آنِ متخلّل باقی می ماند که هنوز لباس غصبی را درنیاورده است و چند ثانیه‌ای طول می کشد تا لباس غصبی را دربیاورد؛

**حکم این آنِ متخلّل بستگی به نظر ما در وجه صحّت رکعات سابقه دارد؛**

**اگر نظر ما این بود که**: چون غصب این شخص از روی عذر است ضرری به نمازش نمی زند این تعلیل در آنِ متخلّل هم جاری است و وقتی ملتفت به غصبیت شد چند ثانیه طول می کشد تا لباس غصبی را دربیاورد و در این چند ثانیه عملاً مضطرّ به این مقدار از غصب و معذور است و این مقدار غصب از روی عذر صادر می شود.

**ولی اگر نظر ما مثل نظر مرحوم خویی باشد نماز در فرض جهل باطل می شود:**

 مرحوم خویی می فرمایند:

اگر شخص ناسی یا غافل باشد تکلیف ندارد و حرمت غصب شامل او نمی شود: حال اگر در أثنای نماز متذکّر شود به این خاطر که ملتفت است حدیث لاتعاد شامل او نمی شود ولی شاید مرحوم خویی در وجه صحت بفرمایند که نهی از غصب أثر ندارد زیرا از هنگامی که ملتفت می شود تا هنگامی که لباس را در می آورد چند ثانیه طول می کشد و این چند ثانیه دست خود این شخص نیست و هر مقدار هم سرعت عمل داشته باشد این چند ثانیه طول می کشد تا لباس را دربیاورد لذا نهی از غصب که ساقط بود در این چند ثانیه هم ساقط است و به خاطر عدم حرمت غصب، نماز ناسی صحیح است.

و اگر شخص جاهل باشد (و مثلاً با قاعده ید در کسی که لباس را به او اباحه کرد حکم به اباحه لباس کرده بود) هر چند تکلیف واقعی دارد (زیرا احکام بین عالم و جاهل مشترک است) و حرمت غصب شامل او می شود و مقتضای قاعده بطلان نماز است ولی حدیث لاتعاد در حق جاهل جاری می شود و نماز او را تصحیح می کند؛ حال اگر در أثنای نماز جهلش برطرف شود و ملتفت به غصب شود چند ثانیه ای طول می کشد تا لباس غصبی را دربیاورد و حدیث لاتعاد شامل شخص ملتفت نمی شود لذا حدیث لاتعاد نمی تواند اخلال به شرطیت اباحه لباس را در این چند ثانیه تصحیح کند در نتیجه نماز این شخص با التفات به خلل باطل می شود مگر این که در هنگام التفات، خلل مرتفع شده باشد (مثل زنی که یک تار موی او بیرون است که اگر ملتفت شد که الآن مویش بیرون است نمازش باطل می شود ولی اگر ملتفت شد که در رکعت قبل موی سرش بیرون بوده است نمازش صحیح است زیرا در آن هنگام جاهل بوده است و در حین التفات هم خلل مرتفع شده است.)

[و به همین خاطر، که مرحوم خویی وجه صحت نماز را حدیث لاتعاد می دانند، نماز در مکان مغصوب را ولو از روی جهل به غصب باطل می دانند زیرا شرط سجود، سجده بر مکان مباح است و اخلال به شرائط سجود، اخلال به سجود واجب در نماز است که از ارکان است و مشمول حدیث لاتعاد نیست. بله در همین مورد اگر ناسی یا غافل بود نه به خاطر حدیث لاتعاد بلکه به این خاطر که ناسی و غافل تکلیف واقعی به حرمت غصب ندارند و لاتغصب شامل آنها نمی شود، نمازشان مصداق نماز در مکان مباح و صحیح می شود.]

**خلاصه این که:** در نماز با ساتر مغصوب از روی جهل به حکم، مرحوم خویی برای تصحیح آن حدیث لاتعاد جاری می کند و لذا اگر کسی وسط نماز ملتفت شود که ساتر او غصبی است هر چند می تواند سریع، لنگی به دور خود بپیچد و ساتر غصبی را دربیاورد ولی فایده ای ندارد و با این که نسبت به گذشته حدیث لاتعاد جاری است و در آینده هم غصب نیست ولی در این چند ثانیه که ساتر در نماز، غصبی است و این شخص ملتفت است مصحّحی ندارد زیرا حدیث لاتعاد شامل ملتفت نمی شود.

**شبیه مسأله ای که مرحوم خویی مطرح می کند که**: اگر زنی در وسط نماز متوجّه شود یک تار موی او بیرون است نمازش باطل است زیرا وقتی ملتفت می شود هنوز تار موی او بیرون است و در این چند ثانیه که ملتفت است حدیث لاتعاد شاملش نمی شود.

مرحوم خویی در اینجا که جاهل به لباس غصبی بوده و در أثنای نماز ملتفت می شود تعلیقه نزده و ظاهر تعلیقه نزدن این است که اشکال ندارد ولی طبق مبانی ایشان (ولو در فرض نسیان بتوانند وجهی برای صحت نماز بیاورند ولی) در این فرض نماز این شخص مشکل دارد و باید تعلیقه می زدند.

**ولی به نظر ما نماز این شخص اشکالی ندارد زیرا**:

این شخص اگر بخواهد لباس را دربیاورد چه نماز را قطع کند و چه قطع نکند بالأخره چند ثانیه طول می کشد و این چند ثانیه مما لابد منه است و لذا این شخص در این چند ثانیه در ارتکاب این غصب معذور است و کاری نمی تواند بکند و اگر نماز در لباس غصبی مبطل باشد در حق کسی است که معذور نباشد. در فرض نسیان نیز وقتی متذکّر می شود این شخص در چند ثانیه ای که می خواهد لباس غصبی را در بیاورد معذور است و لذا نمازش صحیح است.

اگر کسی لیوان دیگری را به دست گرفت و بعد متوجّه شد و لیوان را روی طاقچه گذاشت این چند ثانیه (هر چند کسی بگوید غصب نیست به این خاطر که شاید در صدق عنوان غصب، تعمّد لازم باشد ولی) مصداق تصرّف در مال غیر است و روایت «لایحل لأحد أن یتصرّف فی مال غیر بدون اذنه» شامل آن می شود و لکن معذور است.

**نکته:** حدیث رفع ما لایعلمون رفع ظاهری می کند و مصحح نماز در فرض جهل نیست و تنها وجوب احتیاط را رفع می کند.

**نتیجه فرض أول این شد که:**

همان طور که صاحب عروه فرموده است اگر جهل یا نسیان به غصبیت ثوب در أثنای نماز برطرف شود و امکان در آوردن ثوب مغصوب وجود دارد و ساتر آخری هم دارد یا می تواند سریع پرده یا پارچه ای از زمین بردارد و دور خود بپیچد و لباس غصبی را از زیر آن دربیاورد؛ این نماز صحیح است و تنها طبق مبنای مرحوم خویی در بعض فروض مشکل ایجاد می شود (فرضی که جاهل به غصب بود و در زمان التفات چند لحظه طول می کشد لنگ را دور خود بپیچد و لباس غصبی را دربیاورد که در این فرض نهی واقعی از غصب در حق این شخص ثابت است، کما این که در حال جهل هم ثابت بود، و در زمان التفات حدیث لاتعاد ندارد و لذا باید نماز را اعاده کند)

ما در بحث اجتماع أمر و نهی گفته ایم که آنچه مانع از صحت نماز و اطلاق أمر است، نهی منجّز است و نهی غیر منجّز و مورد عذر، مانع از صحّت نماز نیست و نیازی به حدیث لاتعاد هم نیست و همین که معذور است علی القاعده نمازش صحیح است.

**نکته:** زنی که در وسط نماز می بیند بخشی از مویش بیرون است برخی از بزرگان مثل آقای سیستانی می فرماید اگر می تواند چادر خود را روی موی خود بکشد و نمازش را ادامه می دهد و اگر هم نمی تواند موی خود را در وسط نماز بپوشاند اشکالی ندارد و این خانم معذور است و السنّة لاتنقض الفریضه شامل او می شود ولی برخی مثل صاحب عروه و مرحوم خویی می فرمایند آنِ التفات حدیث لاتعاد ندارد (برخی به مسائل شرعی توجّه ندارند و برای مردم مشکل ایجاد می کنند مثل این که وسط نماز می گوید قبله سی درجه کج است یا می گوید ای خانم موی سرت بیرون است در حالی که نماز او صحیح است و نیازی نیست تذکّر داده شود) همین که این زن بفهمد موهایش بیرون است نمازش طبق نظر مرحوم خویی و صاحب عروه باطل است زیرا این چند لحظه که می خواهد موهایش را درست کند و ملتفت به خلل است حدیث لاتعاد شاملش نمی‌شود. بله اگر بگویند قبلاً موهایت بیرون بود ولی الآن بیرون نباشد نمازش صحیح است. مرحوم خویی حدیث لاتعاد را شامل مضطر نمی دانند و تنها شامل جاهل و ناسی می دانند.

**نکته:** اگر حفظ لباس غصبی متوقّف بر پوشیدن آن است در این صورت برای حفظ آن لازم است بپوشد تا تحویل صاحب آن بدهد ولی اگر این گونه نبود تا فهمید غصبی است باید در بیاورد و دیگر مأمور نیست آن را بپوشد.

**فرض دوم**

این شخص که به غصبی بودن لباس ملتفت شد اگر ادامه دادن نمازش مستلزم این است که درآوردن لباس تأخیر بیفتد یا اگر بخواهد لباس غصبی را دربیاورد ساتر دیگری ندارد که عورت خود را ستر کند و فرض این است که وقت موسّع است؛ در این فرض نماز خود را قطع می کند و با ساتر مباح نماز را شروع می کند.

بله طبق نظر آقای سیستانی: این زنی که در نماز باید کل جسد غیر از وجه و کفین و قدمین او ساتر داشته باشد و بعد از تکبیر نماز بفهمد چادرش غصبی است و ساتر دیگری نیز ندارد؛ در اینجا ولو وقت موسّع است ولی لازم نیست نمازش را قطع کند و اگر چادر را زمین بگذارد و بدون چادر نماز بخواند صحیح است به شرطی که نامحرم نباشد. دیگران مثل مرحوم خویی و صاحب عروه می فرمودند نماز را قطع کن و با چادر مباح نماز بخوان. ولی طبق مبنای آقای سیستانی نماز را بدون چادر می خواند و صحیح است.

طبق مبنای آقای سیستانی هر اخلالی که شخص در أثنای نماز مجبور است آن را تحمّل کند و اصلاح آن خلل باعث بطلان نماز می شود و راهی برای اصلاح خلل جز باطل کردن نماز وجود ندارد؛ اگر ارکان نماز محفوظ باشد مشکلی ندارد و ایشان این مبنا را بر مواردی تطبیق می کنند؛ مثل این که وسط نماز بچه ای مهر نمازگزار را بردارد که ایشان می گوید این عذر موجب خلل در ارکان نماز نیست و لذا بدون مهر و روی فرش نماز می خواند و سجود بر فرش هم عرفاً سجود است. یا مثلاً اگر نماز را شروع کردید و بعد از شما خانمی در کنار شما شروع به نماز خواندن کرد و اگر بخواهید از این خانم دور شوید راهی جز باطل کردن نماز ندارید در اینجا نماز را ادامه می دهید و صحیح است زیرا مجبورید این خلل را تحمّل کنید و عموم «السنه لاتنقض الفریضه» شامل این صورت می شود و حاکم بر أدله أجزاء و شرائط غیر رکنیه است و این خلل در این نماز معفوّ است.

**تذکّر:** اگر نامحرم بود ربطی به نماز ندارد و وجوب ستر موی سر از نامحرم حکم مستقلی دارد و تنها شرائط و أجزای غیر رکنیه نماز مشمول حدیث لاتعاد است. و فرض ما این است که ناظر أجنبی نیست.

**ممکن است کسی بگوید:** به جای زنی که چادرش غصبی است مردی را فرض کنید که ساترش غصبی است که این شخص هم هر چند می تواند نمازش را قطع کند و ساتر مباح بپوشد بگویید ساتر که از ارکان نیست مثل این که آقای سیستانی راجع به مهری که وسط نماز بچه آن را بر می داشت می فرمود نمازش را بدون مهر ولو در سعه وقت ادامه دهد، ستر عورت هم از سنن و واجبات غیر رکنیه است لذا بگویید این مرد هم لباسش را دربیاورد و با بدن عریان نماز بخواند؛

**می گوییم:** شخصی که عاری است کیفیّت رکوع و سجودش عوض می شود و کیفیّت رکوع و سجود او ولو ناظر محترم هم نباشد ایمائی می شود و رکوع و سجود او اختیاری نیست و لذا باید ساتر غصبی را دربیاورد و وقتی ساتر را درآورد و رکوع و سجود او ایمائی شد به معنای اخلال به رکوع و سجود اختیاری است و لذا موجب بطلان نماز است مگر این که لباس مباح نداشته باشد و تا آخر وقت همین گونه باشد که در این صورت لباس غصبی را در می آورد و به عنوان نماز عاریاً نماز با رکوع و سجود ایمائی می خواند اگر ناظر محترمی نباشد و اگر ناظر محترمی باشد در همان لباس غصبی نماز می خواند و نمازش صحیح است.

**اشکالی است که مربوط به فرض سوم است:**

کسی که ساتر مباح ندارد و ناظر محترمی هم هست و اگر بخواهد نماز بخواند مجبور است در این لباس غصبی نماز بخواند و راه دیگر هم وجود دارد که أصلاً نماز نخواند؛ در این فرض بین حرمت غصب و وجوب أدای صلاة فی الوقت تزاحم می شود که وجوب صلاة فی الوقت یا محتمل الأهمیه است یا محتمل التساوی است و لذا باید نماز داخل وقت را انتخاب کند که توضیح آن را در جلسه بعد بیان خواهیم کرد.